

از میان خبرها

آتش سوزی مهیب در کارخانه کاله در کربلا



کنسولگری ایران در کربلا خبر آتش سوزی در کارخانه کاله در این شهر را تایید کرده و گفته، این آتش سوزی پس از چند ساعت مهار شده است.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، میر مسعود حسینیان سر کنسول ایران در کربلا با تأیید خبر آتش سوزی در کارخانه کاله در این شهر، گفت: هم اکنون در محل حادثه حضور دارم و هنوز علت آتش سوزی مشخص نشده است.

در همین حال خبرگزاری ایرنا نیز به نقل از یک منبع مطلع از احتمال عمدی بودن آتش سوزی خبر داد و اعلام کرد که تیم‌های امدادی از استان نجف و بابل نیز برای کمک به مهار این آتش سوزی فراخوانده شده‌اند. کارخانه کاله در کربلا با مشارکت بخش خصوصی ایران یکی از فعال‌ترین واحدهای لبنی در عراق به شمار می‌رود.

در حالی که پیشتر ایرنا گزارش داده بود، شدت آتش سوزی بسیار زیاد است و همه کارخانه را آتش فرا گرفته است. «به گزارش مهر وزارت کشور عراق اعلام کرد: ۲۵ درصد از بخش‌های مهم کارخانه فرآورده‌های لبنی و گوشتی کاله به طور کامل طعمه حریق شد. آتش نشانان پس از ساعت‌ها تلاش توانستند شعله‌های آتش را از پنج کارگاه و ۹ انبار دور کنند.

کلاهبرداری با وعده استخدام

توکلی - کلاهبردار حرفه ای در ارزوئیه کرمان با سوابق متعدد کیفری از جمله سرقت و مواد مخدر دستگیر شد.

به گزارش خبرنگارگار، قاضی دهقانی در تشریح جزئیات این خبر اظهار کرد: پس از دریافت گزارش‌هایی در خصوص کلاهبرداری از اهالی منطقه صوغان شهرستان ارزوئیه بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت و متهم قبل از فرار دستگیر و برای انجام تحقیقات بازداشت شد.

وی افزود: این فرد کلاهبردار با ادعای این که با مقامات مهم کشوری در ارتباط است، به گونه ای و انمودمی کرده که متناسب به فرماندهان ارشد نظامی کشور است و می تواند برای جوانان شغل دولتی پیدا کند و خودش نیز یکی از مقامات مهم است و علت حضورش در بخش صوغان فقط اتمام کارهای بیمه‌نگاری پدرش است، از تعدادی از جوانان بادر یافت پول و مدرک کلاهبرداری می کرد.

وی گفت: تحقیقات اولیه نشان می دهد، ده ها نفر به این شخص کلاهبردار مراجعه کرده اند و متهم به آن ها قول استخدام در مراکز نظامی داده است. تعدادی از مال باختگان شکایت کرده اند و پرونده قضایی تشکیل شده است. رئیس دادگاه ارزوئیه خاطر نشان کرد: شأن و منزلت مقامات دولتی، لشکری و انتظامی این نیست که با گرفتن شیرینی کار استخدام افراد را سریع انجام دهند. این موارد طبق مقررات خاص خود انجام می شود.

آگهی مزایده

این شرکت در نظر دارد

یک دستگاه وانت نیسان مدل ۸۴ و یک دستگاه وانت مزدا مدل ۸۴

از طریق مزایده به فروش برساند.

متقاضیان به آدرس زیر مراجعه نمایند.

کودکترانیش این سینا ۱۴ پلاک ۱۶۰

تلفن تماس ۰۵۱۳-۸۴۸۱۰۲۱

شرکت ساختمانی بتن و ماشین قفس رنوی

۰۵۱۳۰۰۲۸۶۰

صفحه آرایی واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان سفارش می پذیرد

۰۵۱۳۰۰۰۳۹۰ layout@khorasannews.com

میزان- سردار محمدیان، فرمانده انتظامی استان البرز ضمن تأیید درگیری مسلحانه در مشگین دشت کرج گفت: ظهور امروز یک دستگاه موتور سبکت با دو

سرنشین در محدوده مشگین دشت کرج به سمت مأموران انتظامی تیراندازی کردند و سریعاً متواری شدند. مأموران را یکان موتور سبکت را تعقیب کردند که آن‌ها

نیز به محض مشاهده پلیس موتور سبکت را رها و در یک باغ اقدام به فرار کردند. وی افزود: مأموران نیز محیط مد نظر را محاصره و هر دو نفر را دستگیر کردند.



درگیری مسلحانه

در مشگین دشت کرج

شهردار سابق تهران با لباس زندان در جلسه بازپرسی حاضر شد و با خبرنگاران گفت و گو کرد

اعتراف جلوی دوربین در کمال آرامش

نجفی: همسرم فحاشی می کرد و مرا کتک می زد، می خواستم خودکشی کنم



دیدم که مجوز مرا از سال ۹۴ تمدید نکرده ام چون استفاده ای هم نداشتم. وی درخصوص خودکشی در هتل لاله گفت: علت خودکشی به خاطر اختلاف باوی بودومی خواستم جایی باشم که کسی به من دسترسی نداشته باشد. من وی را کتک نزدم بلکه وی چندبار مرا زد و مجروح کرد و البته درگیری فیزیکی داشتم. نجفی درباره روز حادثه گفت: قصد قتل نداشتم و روز قبل از دعوا با هم بودیم. از ساعت ۱۱ شب رقت اتاق خواب که بخوابم. وی مرتب بالای سر من می آمد و حرف‌های ناپسندی می زد و می خواست مرا عصبانی کند که به درگیری فیزیکی بینجامد و به خودم و پدر و مادر مرحومم فحاشی می کرد و برخی مطالب دیگر که بحث خانوادگی مطرح بود. روز بعد ساعت ۹:۳۰ می خواست برود حمام که تلفن همراه مرا با خود برد و گفت برای این که به کسی زنگ نزنم یا خودمی برم. وی ادامه داد:

گفت من به حمام بعد از آن بیرون می‌روم. گفتم کجا می‌خواهی بروی؟ گفت خودم می‌دانم، به توربلی ندارد. عصبانی شدم رفتم سمت کمد چون به تازگی جابه جا شده بودیم هنوز کلت

پیشتر مهیار پسر میترا استاد هم در باره نحوه آشنایی مادرش با نجفی گفته بود: مادر من در حزب کارگزاران با نجفی آشنا شد. مادر می گفت، من به اشتباه روی صندلی او نشسته بودم و همین موضوع باب آشنایی ما را فراهم کرد.

نجفی درباره نامه‌ای که نوشته نیز گفت: در نامه‌ای که گذاشته بودم، خیلی مختصر سابقه آشناییم را با آن خانم و مشکلاتی که در طول یک سال گذشته با وی داشتم برای خانواده ام نوشته بودم که مطلع باشند این حادثه چرا اتفاق افتاد.

روایت دختر نجفی از نامه پدرش

در همین حال دختر نجفی نیز از وجود نامه چند



کمری را پنهان نکرده بودم. اکثر الای لباس‌ها داخل چمدان می گذاشتم اما هنوز در کمد بود. آن را برداشتم و به حمام رفتم هنوز به وان نرفته بود گفتم تمومی کنی یا نه؟ که ترسید دستانش را روی شانه ام انداخت به حالت التماس که من نمی دانم از آن به بعد چهار تیر شلیک شد. وی در پاسخ به این سوال که آیا در قتل همسران کسی شما را تحریک کرده بود؟ گفت: خیر، به هیچ عنوان کسی در این قضیه دخیل نبود و من هم وقتی که وارد حمام شدم برای قتل نرفتم و اسلحه بردم که وی را بترسانم تا به یک راه حل راضی شود. به خاطر این که یک سال ما باهم کلنجار می رفتیم و وی هیچ راه حلی از جمله طلاق را قبول نمی کرد. نجفی افزود: هر وقت صحبت از طلاق می کردیم شروع به شکستن وسایل خانه و با کارد حمله می کرد. این اواخر گفتم من حاضرم هر چه دارم بدهم تا مهریه ات را بپردازم کتم اما می گفت می‌خواهم کاری کنم که از زندگی بیزار شوی.

می خواستم خودکشی کنم

شهردار پیشین تهران مدعی شد: بعد از این حادثه به سر خاک پدر و پدر بزرگم رفتم که خود را بکشم اما زمانی که با خود فکر کردم به این نتیجه رسیدم که قانون راه بهتری است و تصمیم گرفتم که خود را معرفی کنم. متهم گفت: از وقتی که به عقد من درآمد، از اردیبهشت سال گذشته تا دیروز مسائل ناموسی نبود اما تهدید ناموسی زیاد می کرد و یکی از اصلی ترین مسائل دعوی ما همین موضوع بوده است. مهریه همسرم ۱۳۶۲ سکه بود و هر قدر اصرار می کردم که از یکدیگر جدا شویم، قبول نمی کرد.

صندلی که باعث آشنایی شد

نجفی در باره نحوه آشنایی وی با همسر دوشم

حوادث

۱۳

در امتداد تاریکی

گریه های مادر یک دزد

زمانی که دست به دامن قانون شدم تا از همسر معتامد طلاق بگیرم، هیچ گاه به عواقب و آسیب های بعد از طلاق نمی اندیشیدم چرا که آن قدر از رفتارها و کتک های وحشتناک شوهر کریستالی ام خسته شده بودم که فقط زندگی بدون او مرا خوشحال و راضی می کرد و...

زن ۴۸ ساله ای که گریه کنان به شاکي پرونده پسر ۲۱ ساله اش التماس می کرد تا از گناه فرزند معتادش به خاطر سرقت موتور سبکت گذشت کند درباره زندگی اسفبار خود به کارشناس اجتماعی کلانتری الهیه مشهد گفت: وارد بیست و سومین بهار زندگی ام شده بودم که پای سفره عقد نشستم و با شادمانی به خواستگاری پاسخ مثبت دادم. آن روزها عاشقانه همسر مرا دوست داشتم و برای رسیدن به خوشبختی سر از نامی شناختم اما طولی نکشید که مواد افیونی بر تار و پود بدبختی هایم گره های کوری زد. گره هایی که حتی با دندان هم گشوده نشد. زمانی فهمیدم ستار در دام مواد مخدر سنتی گرفتار شده است که

پسرم به دنیا آمده بود. با وجود این او کار می کرد و هزینه های زندگی را می پرداخت. من هم کاری از دستم ساخته نبود و الی مصرف مواد سنتی مشکل زیادی در او می این زندگی مشترک به وجود نمی آورد چرا که بسیاری از ساکنان محله ای که در آن جا زندگی می کر دیم آلوده به مواد بودند اما در عین حال مخارج روز مره خود را تامین می کردند ولی زمانی زندگی ام در مسیر بدبختی و فلاکت قرار گرفت که فهمیدم همسرم به خاطر گران شدن مواد مخدر سنتی به مصرف کراک و کریستال روی آورده است در حالی که من مشغول تربیت دختر و پسر م بودم. طولی نکشید که دیگر ستار همه چیز را از دست داد و روزگرا ما را کتک هایش سیاه کرد. او حتی لازم منزل را می فروخت و هنگامی که دچار توهم می شد دیگر رفتار هایش قابل پیش بینی نبود. خلاصه بعد از ۱۷ سال زندگی مشترک از او طلاق گرفتم و با اثبات اعتیادش در دادگاه توانستم حضانت فرزندان ۱۲ و ۱۲ ساله ام را بگیرم. این در حالی بود که هیچ گاه به آسیب های وحشتناک بعد از طلاق فکر نمی کردم تا حداقل از مشورت مشاوران یا افراد آگاه در این زمینه استفاده کنم. خلاصه

زندگی جدید من از هشت سال قبل در کنار دوفرزندم آغاز شد و من برای سعادت و آینده آن ها از دواج نکر دم. هنوز چند ماه از مجاری طلاقم نگذشته بود که برای یافتن شغلی از شهرستان به مشهد مهاجرت کردم و در یکی از شرکت های خدماتی و نظافتی مشغول کار شدم ولی روزی که د خترم به تنهایی از منزل بیرون رفته بود بر اثر سانحه تصادف زیبایی چهره اش را از دست داد، به طوری که این حادثه تروم و روان مرا نابود کرد و د خترم نیز به خاطر خجالت از همکلاسی هایش ترک تحصیل کرد. پسر مرا هم از همان سن ۱۳ سالگی تشویق به کار کردم تا این که در یک تعمیر گاه خودرو مشغول کار شد و او هم درس و مدرسه را کنار گذاشت. هنوز سه ماه از این ماجرا نگذشته بود که یکی از انگشتان پسر م در تعمیر گاه قطع شد ولی پزشکان با تلاش زیاد انگشت او را پیوند زدند، با وجود این انگشت اش کج ماند و دیگر نتوانست در تعمیر گاه کار کند. به همین دلیل در مزارع کشاورزی به نگهدانی پرداخت و با توصیه دوستان ناباشش به پنهان تسکین درد انگشت به مصرف مواد مخدر روی آورد و معتاد شد. او در سن ۱۷ سالگی با دختر ۱۵ ساله ای آشنا شده و با او ارتباط برقرار کرده بود. من هم که درگیر مشکلات زندگی بودم، هنگامی این موضوع را فهمیدم که آن دختر با من شده بود دستگیر شد و پسر م شکایت کرده بودند. خلاصه پسر ۱۷ ساله ام در حالی مجبور به ازدواج شد که آرام ام به مصرف کریستال روی آورده بود و من به ناچار باید زندگی او را نیز با پول هایی تامین می کردم که از نهادهای امدادی می گرفتم. حالا هم به جرم سرقت دستگیر شده است و... و شایان ذکر است، به دستور سرهنگ حاجی زاده (رئیس کلانتری الهیه) پرونده سرقت این جوان ۲۱ ساله به مراجع قضایی ارسال شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس

پیشگیری خراسان رضوی

تکذیب مطرح شدن موضوع خیانت

در همین حال سرهنگ بابک نمک شناس رئیس مرکز اطلاع رسانی پلیس تهران هم گفت: در یادداشت به دست آمده از نجفی، بحث هایی درباره اختلافات خانوادگی و درخواست طلاق مطرح شده اما به هیچ وجه اشاره ای مبنی بر خیانت میترا استاد بیان نشده است. پیش از این، گزارش هایی درباره خیانت همسر نجفی در شبکه های اجتماعی منتشر شده بود و علت قتل نیز همین موضوع بیان می شد.

مادر میترا استاد: برای قاتلش قصاص می خواهم

از سوی دیگر، مادر میترا استاد در مصاحبه با روزنامه ایران گفته، «میترا الیسانس حسابداری داشت و قبل از ازدواج با نجفی به عنوان بازیگر فعالیت می کرد. شش یا هفت ماه قبل بود که به عقد نجفی در آمد. پسرش همیشه به ما می گفت که میترا با نجفی اختلاف دارد. د خترم حتی ساعت ۴:۳۰ با امداد سه شنبه ۷ خرداد در دست ساعتی قبل از این که به قتل برسد، به برادرش پیام داد که تا آن موقع با نجفی درگیر بوده است.» وی ادامه داد: او را دلداری دادیم و گفتیم که به خاطر مهیار (پسرش) حرفی نزد. مهیار امتحان ریاضی داشت و این درگیری ها در روحیه او تأثیر می گذاشت. همسر سابق میترا مهندس است و او به خاطر مشکلات شخصی که با همسر سابقش داشت از او جدا شد. او گفت: من از خون د خترم نمی گذرم و برای قاتلش قصاص می خواهم.

پاسخ رئیس پلیس پایتخت به انتقادات

رئیس پلیس پایتخت در پاسخ به سوالی مبنی بر این که آیا پلیس با نجفی که مرتکب قتل شده دست داده اما ما چنین رفتاری در رابطه با دیگر متهمان ندیده ایم؟ گفت: ایشان هنگام رفتن به بازداشتگاه دستش را جلو می برد که با پلیس دست بدهد. در آن زمان بازجویی مقدماتی انجام شده و حول و حوش ساعت ۱۰ شب بوده و مراحل بعدی پیگیریی دنبال می شده است. ایشان دستش را دراز کرده و دست داده و پلیس هم دست داده است. سردار حسین رحیمی درباره علت به دست گرفتن اسلحه قاتل توسط خبرنگار صدا و سیما نیز گفت: این اتفاق زمانی افتاده که جرم محرز و تمام شده است. این که به او سایل و مدارک صحنه جرم نباید دست زد، مربوط به قبل از زمان اثبات جرم است در حالی که اقدام خبرنگار بعد از اثبات جرم و اعتراف صریح به قتل از سوی ایشان انجام شده و دیگر نیازی نیست بگوییم نباید به آلت قتاله دست زد. حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران در پاسخ به برخی انتقادات گفت: «برخی گفتند چرا چای جلوی این فرد بود؟ ما چای را برای افسر پرونده و بعد از افطار آوردیم که به ایشان هم داده شد و این رفتار انسانی است. او ادامه داد: «گفتند چرا کت و شلوار تن آن فرد بود؟ این فیلم ها وقتی گرفته شد که متهم تازه خودش را به آگاهی معرفی کرده و در حال توضیح بود.» وی افزود: «نجفی» پس از اعتراف به قتل، با دستبند به بازداشتگاه منتقل شد. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام کرد که تاکنون هیچ تماسی برای سفارش پیرامون پرونده نجفی با پلیس آگاهی برقرار نشده و پلیس در استقلال کامل به این پرونده ر سیدگی کرده است.